

چه دلایلی سبب بی انگیزگی زوجها برای فرزند آوری است/ رابطه مستقیم فرزند و مشکلات مالی طبقه متوسط

تا ۳۰ سال دیگر خبری از باروری در ایران نخواهد بود» این را وزارت بهداشت می گوید. براساس آمار اعلام شده از این وزارتخانه رشد جمعیت در سال ۱۴۲۰ صفر خواهد شد و فرزند آوری در سراسریی سقوط پیش به سوی ناباروری حرکت خواهد کرد.

زهرا داستانی- ایسکانیوز: گرچه سیاست‌های جمعیتی برای سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۳۰ پیش‌بینی شده است و قرار است کشور را از این نگرانی نجات دهد اما آنچه که در این میان اهمیت دارد دلایل عدم علاقه مردم برای فرزندآوری است. اوضاع نابسامان اقتصادی یا تغییر نگرش به زندگی، کدام عامل این اتفاق است؟ می‌گویند ایران از نظر جمعیت در بهترین موقعیت تاریخی قرار دارد چرا که ۷۰ درصد جمعیت کشور در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال به سر می‌برند.

کارشناسان این دوره را دوران پنجره جمعیتی می‌نامند و این پنجره را فرصت طلایی برای کشور می‌دانند که با مدیریتی صحیح می‌تواند افق‌های روشنی را برای کشور بگشاید.

براساس آخرین آمار سازمان ثبت احوال کشور، یک میلیون و ۵۷۰ هزار تولد در سال ۹۴ جمعیت ایران را در سال ۹۵ به ۷۹ میلیون و ۲۶۲ هزار رسانده است. گرچه چند سالی می‌شود که سیاست افزایش جمعیت در ایران حاکم است اما آمارهای سقط جنین، نرخ باروری در کشور، آمار افزایشی ثبت طلاق در کشور مسئولان را وادار کرده است تا به زنگ خطر کاهش نرخ باروری واکنش نشان دهند.

پس از برقراری سیاست‌های افزایشی جمعیت در دوران جنگ و افزایش نرخ باروری از ۱۳۷۵ نرخ باروری در کشور مسیر عکس را پیش گرفته است. بر طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ باروری در کشور رو به تنزل رفت و رشد جمعیت کشور از ۳/۹ به ۱/۹ درصد رسید چرا که سیاست‌های کاهش جمعیت در کشور برقرار شد. سیاستی که به دلیل رشد بی‌رویه موالید در دهه ۶۰ اتخاذ شد. گرچه سیاست جلوگیری از فرزندآوری در ایران پس از مدتی با مشاهده کاهش جمعیت جوان در ایران برداشته شد اما همچنان براساس آمار، رشد جمعیت کشور از ۳.۹ درصد در دهه ۵۰ و ۶۰ به ۱.۳ درصد در دهه ۸۰ کاهش یافت.

هرچند آمارها نشان می‌دهد که سیاست‌های افزایشی اتخاذ شده توانسته نرخ موالید را اندکی افزایش دهد و جمعیت کشور را در مدت ۳۵ سال در مناطق شهری ۲.۳ برابر و در مناطق روستایی ۵ برابر کند اما بیم آن می‌رود که شرایط اقتصادی و اجتماعی در کشور زوجها جوان را از فرزندآوری منصرف می‌کند. البته باید گفت که بخش عمده رشد نسبی موالید در سال‌های اخیر به دلیل موج متولدان ۵۰ و ۶۰ و رسیدن سن آنها به فرزندآوری بوده و پس از آن مجددا شاهد کاهش موالید در سال‌های آینده خواهیم بود چرا که رشد جمعیت از ۴.۲ درصد در سال ۹۳ به ۲.۳ درصد در سال ۹۴ رسیده است.

براساس آمار ارائه شده از سوی وزارت بهداشت هر ۱۰ زن در ایران به طور میانگین ۱۹ فرزند به دنیا می‌آورند در حالی که حد نصاب

جهانی ۲۱ فرزند است به عبارتی دیگر متوسط زایمان هر زن ایرانی در دوران باروری از ۷ فرزند به ۱.۸ کاهش یافته است. کارشناسان جمعیتی در ایران می‌گویند که حد جایگزین جمعیتی در کشور ۲.۱ است. کاهش نرخ مولید در کشور هشدار برای ایران محسوب شده که در بسیاری از کشورها با شواهد علمی و سیاست‌های جمعیتی این مشکل را حل کرده‌اند. اما دلیل کاهش نرخ باروری در ایران چه بوده است؟ و چه دلایلی سبب بی‌انگیزگی زوجها برای فرزند آوری است؟

سازمان ثبت احوال می‌گوید: سالانه ۴۱۰ هزار فرصت فرزند آوری در میان زنان هرگز ازدواج نکرده، ۱۰ هزار فرصت در اثر فوت همسر و ۲۰ هزار فرصت در اثر طلاق همسر از بین می‌رود. کارشناسان معتقدند که بحث جمعیتی در ایران از مرحله ثبات خارج شده و به مرحله گذار رسیده است. آمارها نشان می‌دهد که بحث‌های تحولات جمعیتی به خصوص ازدواج، طلاق، فرزند آوری و... با مسائل فرهنگی، نگرش افراد به خانواده و بحث سبک‌های زندگی امروزی گره خورده است. دوران گذاری که پس از تجربه کردن تحولات قرار است دوباره به مرحله ثبات خود نزدیک شود. ایران از سال ۸۹ وارد مرحله گذار خود شده و آن طور که کارشناسان می‌گویند این دوره گذار جمعیت ایران را تا ۳۰ سال آینده به صفر می‌رساند.

البته جامعه‌شناسان معتقدند که ایران تنها کشوری نیست که این مرحله را طی می‌کند بلکه دنیا وارد مرحله گذار خانواده شده است. کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق یکی از دلایلی است که جامعه‌شناسان آن را علت عمده کاهش نرخ جمعیت می‌دانند. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که در میان زنان ۱۵ تا ۴۹ سال که پتانسیل بالقوه برای باروری دارند ۶ میلیون و ۶۶۰ هزار نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند و فرصت فرزند آوری ۴۱۰ هزار نوزاد که می‌توانست از این زنان متولد شود از دست رفته است. دلیلی که خود محصول شرایط نابسامان اقتصادی است. دلیلی که سبب شده میزان آمار سقط جنین عمدی را با افزایش روبرو کند.

براساس گفته‌های محمد اسلامی، رئیس اداره باروری وزارت بهداشت گفت: در سال ۹۴، ۸۰ هزار مورد از سقط‌های جنین در کشور عمدی بوده است. این در حالی است که در سال ۹۱ از ۲۲۰ هزار سقط جنین در کشور ۱۰۰ هزار مورد بر اثر بیماری و ۱۲۰ مورد از روی عمد بوده است. تصمیم به سقط جنین گرچه در کشور جرم محسوب می‌شود و همین امر می‌تواند عامل بازدارنده‌ای برای زوجها به شمار آید اما آمارها نشان می‌دهد که نابسامانی اقتصادی و فقر عامل این تصمیم بوده است. براساس مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۸ در ۲۷ کشور درباره دلایل زنان برای خاتمه بارداری انجام شد نشان می‌دهد شایع‌ترین دلیل زنان برای سقط جنین، به تعویق انداختن بچه دار شدن به زمان مناسب تر و یا تمرکز قوا و منابع بر روی کودکان موجود بوده است. این تحقیق نشان می‌دهد شایع‌ترین دلایل عوامل اجتماعی - اقتصادی مانند ناتوانی در پرداخت هزینه کودک از جمله هزینه‌های مستقیم برای تربیت فرزند و یا از دست دادن درآمد هنگام مراقبت از فرزند، عدم حمایت از سوی پدر، عدم توانایی مالی برای داشتن کودکان اضافی، تمایل به ارائه تحصیل برای کودکان موجود، اختلال در تحصیل، مشکلات رابطه با شوهر بوده است.

چرا زوج‌های جوان علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند؟

با وجود این کدام عامل در میان زوج‌های جوان ایرانی پررنگ تر است و دلیل آنها برای بی‌علاقگی به فرزند آوری چه بوده است؟ در پریشی که روزنامه ابتکار از ۲۰ زوج جوان طبقه متوسط در این رابطه انجام داده است گرچه این زوجین دلیل اصلی را مسایل اقتصادی عنوان کرده‌اند اما آن چه در باطن نشان می‌دهد مسایل اقتصادی رابطه مستقیمی با تغییر سبک زندگی و تغییر تفکر افراد به نهاد خانواده و تربیت فرزندان دارد. ۲۰ زوج مورد پرسش قرار گرفته در اظهارات خود بیان کرده‌اند که تمایل به فرزندآوری در صورت برقراری شرایط مناسب اقتصادی برای پرورش و تربیت فرزندان دارند. در زیر بخشی از نظرات پرسش‌شوندگان خواهد آمد:

امین پدر فرزندی ۷ ساله است. او می‌گوید که قصدی برای داشتن فرزند دوم ندارد. دلیل اصلی آن را شرایط اقتصادی می‌داند. او می‌گوید که خرج ماهیانه فرزند ۷ ساله اش بیشتر از توان و جیب اوست و در شرایطی ممکن است تصمیم به داشتن فرزندی دیگر بگیرد که بتواند کاری با حقوق بیشتر داشته باشد. امین می‌گوید: در طول روز بیشتر از ۱۲ ساعت کار می‌کنم تا خرج یک خانواده ۳ نفری را بدست

آورم. به گفته او، هزینه داشتن فرزند تنها هزینه های خورد و خوراک و پوشاک او نیست بلکه هزینه اصلی مربوط به آموزش و پرورش او است. امین می گوید که اگر یک فرزند دیگر داشته باشد مجبور است برای آینده او ساعت های بیشتری را کار کند و همین باعث می شود که فرزندش از محبت او در خانه محروم شود.

سحر زنی ۳۳ ساله است که ۷ سال از ازدواج او می گذرد اما قصدی برای فرزندآوری ندارد. او زنی شاغل است و می گوید: من احساس می کنم داشتن فرزند همه انرژی و وقتم را می گیرد و وقتی را برای خودم و همسرم نخواهد گذاشت. اما دلیل اصلی آن این است که از آینده ای که می توانم برای او بسازم می ترسم. فرزند دار شدن تنها به پولی برای خوراک او ختم نمی شود بلکه هر پدر و مادری موظف است آینده ای بهتر از خودش را برای فرزندش محقق کند.

نیما و فاطمه زوج های جوانی هستند که مدت یک سال است که زندگی مشترک خود را تشکیل داده اند. آنها می گویند تا ۴ سال دیگر تصمیمی برای بچه دار شدن ندارند.

فاطمه می گوید: ما تصمیم گرفته ایم تا از این فرصت ۴ ساله برای پس انداز پول خود استفاده کنیم. بچه داری هزینه دارد. تا ۴ سال دیگر همسرم ۳۷ ساله می شود و دیگر نمی توانیم بیش از یک فرزند داشته باشیم.

او می گوید: تا امروز که یک سال از ازدواجمان گذشته است چندین وام و قسط داریم. گرچه هر دو ما کار می کنیم اما حقوقمان کفاف نمی دهد. مثلاً اگه بخواهیم به یک مسافرت برویم نزدیک ۷۰۰ تومان برایمان هزینه در بر دارد.

نیما می گوید: هر ماه بابت اجاره خانه ۹۰۰ تومان پرداخت می کنیم. حالا علاوه بر اجاره خانه، هزینه خورد و خوراک را هم در نظر بگیریم. در این میان هزینه داشتن فرزند هم به این هزینه اضافه خواهد شد. تولد یک نوزاد هزینه زیادی را از پوشک، خورد و خوراک، چکاب پزشکی، هزینه زایمان مادر و ... به دنبال دارد.

او ادامه می دهد: علاوه بر این هزینه ها مسلماً داشتن یک فرزند هزینه های جانبی و مهم دیگری را نیز به همراه خواهد داشت. هزینه هایی که آینده او را می سازد. فرستادن فرزند به مدرسه، کلاس های فوق برنامه و هزار چیز دیگر که آینده او را شکل می دهد.

فاطمه می گوید: هر دو ما کارمند هستیم. ما وقت زیادی برای با هم بودن را هم نداریم. حالا با آمدن یک کودک چطور می توانیم برای آن وقت بگذاریم. ضمن اینکه نگهداری یک فرزند برای یک زن شاغل سخت است. بنابراین باید آن را به مهد کودک بگذاریم و همین نه تنها هزینه به همراه دارد بلکه به تربیت او لطمه وارد می کند.

گرچه طعم داشتن فرزند آنقدر شیرین است که هیچ کس نمی تواند از آن بگذرد اما آنچه که شواهد نشان می دهد تفکر زوج های ایرانی آنقدر به آینده تغییر کرده است که دیگر اعتقادی به ضرب المثل هر آنکس که دندان دهد نان دهد در بین آنها وجود ندارد.